

شاعران موسیقیدان

داریوش افراسیابی

Troubadour واژه ای فرانسوی از پرووانس Provençal و از ریشه ی لاتین Tropus به شاعر و موسیقیدان اهل پروانسی و جنوب فرانسه در قرن 12 و 13 گفته می‌شده است. تروبادورها بنیانگذار نوعی شعر تغزلی بودند که بیان کننده مضامین عشق‌های درباری و ساختن تصویری آرمانی از زنان و همچنین ستایش آرمان‌های سلحشوری و جوانمردی بود. از موسیقی تروبادورها به علت شفاهی بودن اثر چندانی در دست نیست.

از میان شاعر موسیقیدان ها میتوان به "آرنو دانیل" Arnaut Daniel و برنارد دو وانتادور Bernard de Ventadour و Bertran de Born "برتران دوبرن" (1140-1215) که دانته از وی یاد کرده است اشاره کرد.

Trouverers تروورها نیز گروه مشابهی از شاعر موسیقیدان در شمال فرانسه و انگلستان بودند که در این زمینه فعالیت داشته اند.

در آلمان نیز گروهی با نام Minnesingers مینه زینگر وجود داشت که با سنت‌های تروبادوری فرانسه همگام بود.

اشعار تروبادورها معمولاً شامل، شعرهای عاشقانه درباری، ترانه های عاشقانه و اشعار هجوآمیز و سبک‌های دیگر بود اما تروورها بیشتر بازگوکننده ی ترانه های روایی و عامیانه بوده اند. تروبادورها خود اشعارشان را میسروده اند و احتمالاً ملودیهای خود را میساختند. حدوداً 3500 ترانه تروبادوری به جای مانده که ملودی 280 قطعه از آنها مشخص است و حدود 2000 شعر نیز از تروورها باقی مانده که اکثرشان دارای موسیقی هستند. ملودی این آواها طوری نوشته شده اند که تنها گام آواز را مشخص میکند و ریتم قطعه یا از روی وزن شعر معلوم و یا به حافظه سپرده می‌شده است.

طبق باور همگانی این ترانه ها با ساز لوت و یا چنگ همراهی می‌شده اند که به وسیله تروبادورها و یا تروورها و یا افراد همراهشان اجرا می‌شده است، چون بیشتر این شاعر موسیقیدان ها نه تنها فقیر نبودند بلکه از طبقه ی اشراف زادگانی بوده اند که در دربارها و خانه های اشرافی هنرنمایی می‌کرده اند.

Foster, Stephencollins

1826-1864

او متولد لارئی ویل در ایالت پنسیلوانیا است. از فاستر تعداد 175 ترانه و آواز رمانتیک و عامه پسند بر جای مانده که از میان آنها میتوان به My old Kentucky home (1853), The old Folks Beautiful Dreamer و at Home (1851) در سال (1864) اشاره نمود که مدتها بر سر زبانها بودند، و همچنین آواهای شاعرانه و ریتمیکی چون Oh! Susanna (1848) و Camptown (1850) Races نیز از ساخته های فاستر هستند. او تقریباً در موسیقی خود ساخته بود و آموزش جدی در این زمینه نداشت. وی از سن نوجوانی به نویسندگی مشغول بود. بسیاری از ساخته های وی عامه پسند بودند و سودآوری در پی داشتند، اما متأسفانه مانند سایر دیگر هنرمندان، حرفه اش را به درستی مدیریت نکرد و در تنگدستی درگذشت.

سمفونی ناتمام

عنوان قطعه ای در سی مینور اثر فرانس شوبرت Franz Schubert میباشد که اکتبر / نوامبر سال 1822 ساخته شده است. این سمفونی ابتدا برای چهار قسمت طراحی شد، اما تنها دو

قسمت اول و طرحی از اسکرتسوی آن در دست است، و در فهرست آثار شوبرت این سمفونی شماره 8 نامیده شده است. اما بیشتر این سمفونی با نام ناتمام معروف است. برخی صاحب نظران بر این باورند که قسمت پایانی سمفونی نیز نوشته شده بود اما شوبرت این قسمت را برای طراحی جدید از سمفونی تازه خود به کار برده است.

پس از آنکه در سال 1823 انجمن موسیقی اتریش به توصیه یوزف و انسلم هوتن برنر دیپلم افتخار خود را به شوبرت تقدیم کرد، او قول داد که در اولین فرصت ممکن یکی از سمفونی های خود را برای آنان بفرستد. بعدها او دستنوشته دو قسمت اول را به یوزف داد، و انسلم این دو قسمت را برای دوئت پیانو در سال 1853 تنظیم کرد، اما کوشش برای اجرای آن نشد.

اولین شخصی که این سمفونی را اجرا کرد John Herbeck بود که در سال 1865 آن را در "وین" به اجرا درآورد و با این قول به انسلم که یکی از آثار وی را در کنسرت اجرا خواهد کرد، قطعه ی شوبرت را به دست آورد.

شوبرت نخستین آهنگسازي بود که احساسات درونی را در ملودیهای تراژیک به هم درآمیخته بود و در گام سی مینور در قالب یک سمفونی آن را مجسم کرد. از این نظر میتوان سمفونی ناتمام شوبرت را طلایه دار آثار رمانتیک بعدی همچون سمفونی پاتتیک چایکوفسکی، کنسرتوی ویولونسل دورژاک دانست.